

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه سوم: تاریخ ۹۶/۳/۲۴

□ موضوع جلسه: ملاکهای تحقق حرج

□ اعضای جلسه: آیت الله هاشم نیازی - حجت الاسلام والمسلمین محمد رحمانی زروندی نیشابوری - حجت

الاسلام والمسلمین یوسف فاطمی نیا - حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباس علی واشیان - دکتر حمید صدیقی

آخا - محمد جعفر صادق پور - طه زرگریان.

□ محورهای بحث: ارائه ضابطه برای حرج، گونه های حرج

□ مشروح جلسه

جلسه سوم سلسله نشست‌های بررسی ماهیت حرج در سقط درمانی، با حضور اساتید برگزار شد. در این جلسه، تمرکز عمده اعضا بر مباحث مربوط به معیارها و ضوابط تحقق حرج بود. در حقیقت پرسش اصلی بحث این بود که چه معیارها و ضوابط و خصوصیات باید وجود داشته باشد که ما حکم به تحقق حرج کنیم. در پاسخ به این پرسش برخی از حضار محترم مدعی شدند با عنایت به شخصی بودن حرج، نمی‌توان به صورت عمومی و در قالب یک قاعده کلی، معیارهایی برای حرج ارائه نمود. ایشان در عین حال بر این باور بودند که ما می‌توانیم به عنوان اماره غالبی، ضوابطی برای کشف حرجی بودن مثلاً بیماریها تعیین نمایم. فارغ از عمومی یا غالبی بودن اماره یا معیار و ملاکی که برای تحقق حرج باید عنوان شود، این نکته اساسی غیرقابل انکار است که برای ایجاد یک رویه واحد و نیز نظم و انتظام امور، ما بایستی لاجرم اصول و مؤلفه‌های کلی برای ماهیت حرج بیان کنیم که پزشکان قانونی در موارد مشکوک ارجاعی، مصادیق مورد نظر را به آنها ارجاع دهند و به نحو تفریع فروع با تطبیق بر اصول، نتیجه مطلوب را به دست آورند. اما با این همه، برخی از حضار محترم که تأکید بسیاری بر نگاه فقهی صرف به مسائل داشتند، بر این باور تأکید نمودند که در موارد شک ما به اصل اولی در مسأله سقط رجوع می‌کنیم که همان حرمت است و حکم را بدین ترتیب معلوم می‌نماییم. به نظر می‌رسد، این تئوری بیشتر به پاک کردن صورت مسأله می‌ماند و در امر تقنین و در سطوح کلان مدیریتی نمی‌تواند قابل اعتنا باشد. غیر از اینکه هیچ ضرورتی ندارد ما پیش از تعیین حد و مرز مفهومی و ملاکهای تحقق حرج، اصل شرعی حرمت سقط را قرار دهیم.

یکی از مباحثی که در همین راستا طرح شد این بود که آنچه از کلمات فقها می‌توان به عنوان ملاک تحقق حرج استنباط کرد، بلکه ظاهر تعریف آنها از حرج گویا آن است، این است که یک معیار و ضابطه اصلی و اساسی برای این مفهوم وجود دارد که عبارت است از «ایجاد صعوبت شدید که زندگی را بر فرد سخت می‌کند». این ملاک که عیناً تعریف حرج است، علیرغم کلی بودنش به نظر می‌رسد به عنوان ملاک فقهی حرج، قابل رجوع باشد. اما اینکه چه موارد و مصادیقی می‌توانند ذیل آن قرار گیرند، بحثی دیگر است. به همین علت، لازم است بررسی شود اساساً حرج استقبالی این شاخصه را دارد یا نه؟ آیا تحقق حرج برای پدر این شاخصه را دارد یا نه؟ ایاسختی مالی و اقتصادی هم مشمول آن می‌شود یا نه؟ و....

در ادامه مباحث، صور مختلفی برای تحقق حرج ارائه شد که چه بسا بتوانند مرجعی برای درک دقیقی از گستره معنایی حرج و نیز گونه‌های آن باشند. این تقسیم دوازده گانه به قرار زیر بود:

حرج یا برای مادر پیش می‌آید و یا برای جنین و یا اجتماع. هر یک از این موارد هم یا حرج جسمی است و یا روانی یا روحی و یا اجتماعی. از مجموع این صور دوازده فرض زیر حاصل می‌آید: (۱) حرج جسمی مادر (۲) حرج روانی مادر (۳) حرج روحی مادر (۴) حرج اجتماعی مادر. (۵) حرج جسمی جنین (۶) حرج روانی جنین (۷) حرج روحی جنین (۸) حرج اجتماعی جنین. (۹) حرج جسمی اجتماع (۱۰) حرج روانی اجتماع (۱۱) حرج روحی اجتماع (۱۲) حرج اجتماعی اجتماع.

این تقسیم بندی به وضوح دارای اشکال است. زیرا اساساً برخی از صور آن معنا ندارد؛ به عنوان نمونه حرج جسمی اجتماع یک فرض نادرست است. حرج روحی، روانی یا اجتماعی جنین، در صورتی که جنین، جنین فرض شود و نه به اعتبار آینده، نیز بی معناست. به هر حال، این تقسیم ارائه شد و به عنوان امری که می‌تواند به عنوان ملاک تقسیم بندی طرح شود، عنوان گردید. مباحث دیگری نیز در ادامه طرح شد که حاضران در جلسه را به طرح سه پرسش اصلی، زیر به عنوان پرسش‌های اصلی مبحث آتی رهنمون شد:

۱) آیا می‌توان نقص‌هایی را که در بدو تولد موجب مرگ می‌شوند، مصداق قاعده لاجرح دانست؟

۲) آیا نقص‌هایی که قابل رفع هستند، نیز مشمول قاعده لاجرح هستند؟

۳) نقص‌هایی که مادر خود ایجاد کرده نیز مشمول قاعده لاجرح هستند؟

در جلسه آتی این سه پرسش بررسی می گردند. ان شاءالله.

محمدجعفر صادق پور

پژوهشگر مرکز مطالعات فقهی پزشکی قانونی